

تحلیل جامعه‌شناختی دگردوستی در ایران

(مطالعه موردی شهر تهران)

محمد عبداللّهی، سعیده امینی

(تاریخ دریافت ۸۷/۴/۲۵، تاریخ پذیرش ۸۷/۱۰/۲۵)

موضوع مقاله حاضر دگردوستی است. این مقاله درصدد بررسی وضعیت دگردوستی و سنجش اثرات انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) و نوع دینداری و باورهای دگردوستانه بر کنش‌های دگردوستانه است. در این مقاله پس از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی چارچوب مفهومی مناسبی تنظیم و در قالب آن فرضیات اصلی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند. نمونه آماری تحقیق حاضر با توجه به شاخص توسعه‌یافتگی مناطق بیست و دوگانه شهر تهران از میان کلیه ساکنین مرد و زن بالای ۱۸ سال مناطق ۳ و ۱۹ به عنوان توسعه‌یافته‌ترین و کم توسعه‌یافته‌ترین مناطق تهران با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. تحقیق از نوع پیمایشی است و برای بررسی فرضیات از تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون LSD و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های تجربی نشان دادند که از میان متغیرهای اثرگذار بر کنش دگردوستانه (سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و دینداری معرفتی (فرهنگی) و مناسکی (اجتماعی) و باورهای دگردوستانه) به ترتیب سرمایه اجتماعی، باورهای دگردوستانه و دینداری مناسکی (اجتماعی) در تعیین کنش‌های دگردوستانه، باورهای دگردوستانه، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، دینداری معرفتی (فرهنگی)، دینداری مناسکی (اجتماعی).

مقدمه

موضوع مقاله حاضر دگردوستی است. مقصود از دگردوستی برجسته شدن این گرایش در سطح نظام شخصیت و نظام کنش است به طوری که انسان افراد غریبه و غیر دوست را دشمن نپندارد.

به عبارتی غریبه مترادف دشمن تلقی نگردد بلکه بالعکس تمایل به شناسایی متقابل یکدیگر به عنوان یک شخص منحصر به فرد که دارای قابلیت‌های خاص خود است، وجود داشته باشد. (دراپور، ۲۰۰۱: ۳۹۳، چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۹) با شکل‌گیری و غلبه این نوع تمایل دامنه و تداوم روابط دوستی در ورای اجتماعات طبیعی (خانواده، دوستان و نزدیکان) بیشتر می‌شود و توسعه این روابط به ارتباطات بین فردی و زندگی اجتماعی قوام می‌بخشد. حیات اجتماعی محصول تعاملات کنشگرانی است که زندگی و وجود انسانی آنان در بستر زندگی اجتماعی تبلور می‌یابد و تمام وجودشان معطوف به دیگران می‌گردد. حتی منزوی‌ترین اشخاص نمی‌توانند حضور و یاد دیگران را به فراموشی سپارند و در تنهایی و خلوت محض به زندگی ادامه دهند. از این‌رو شرط رهایی از عزلت و داشتن وفاق و همدلی با دیگران منوط به داشتن نگرش صحیح نسبت به دیگران عام و تعامل با آنان براساس هنجارهای اخلاقی است. رواج کنش‌های دگردوستانه در سطح جامعه باعث می‌گردد، مسیر رسیدن به اجتماع جامعه‌ای هموار شود و با افزایش دامنه جذب و رواج ارزش‌های عام‌گرایانه، نوعی وحدت حاصل گردد که درون آن موجودیت انسان‌ها و گروه‌های متفاوت حفظ گردد. کنش‌های دگردوستانه در زمره کنش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند که در هر جامعه یکپارچگی بین اجزا مختلف جامعه را فراهم می‌نمایند و مهم‌ترین عامل در پیوند اجتماعی، روابط بین شخصی و مقوم حیات اجتماعی هستند. به دلیل این‌که این کنش‌ها از اهمیت زایدالوصفی در مناسبات اجتماعی و حتی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردارند، لذا بررسی وضعیت چگونگی و چرایی رخداد این کنش‌ها در جامعه ایران ضروری و پراهمیت به نظر می‌رسد. با شناخت کنش‌های دگردوستانه و عوامل مؤثر بر بروز و ظهور آن در جامعه می‌توان سایر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی را شناسایی و همچنین تا حدی به وضعیت اخلاقی و فرهنگی - اجتماعی جامعه پی برد. قلت ایده‌ها و داده‌های معتبر درباره دگردوستی در ایران و وجود پرسش‌های نظری و نیازهای عملی و اجتماعی پاسخ داده نشده، تحقیق در این زمینه را ضروری می‌سازد.

مبانی نظری

دگردوستی دارای تعاریف متعددی است. بروم دگردوستی را عملی می‌داند که فرد از آرامش و آسایش خود می‌کاهد تا رفاه و آرامش دیگران را افزایش دهد. (بروم، ۲۰۰۶: ۲) کانت دوستی را نقطه مقابل خودخواهی قرار می‌دهد و معتقد است این دو عامل در درون انسان در حال ستیز و نزاع با یکدیگرند. اگر انسان خودخواه نباشد، دیگران را دوست دارد و نگران سعادت آن‌هاست و چنان‌چه از روی انسان دوستی زمینه خوشبختی دیگران را فراهم کند عمل او از ارزش اخلاقی

برخوردار است (کانت، ۱۳۸۴: ۲۷۲). کنش دگردوستانه بیانگر ارزش‌گذاری اصول اخلاقی همچون عدالت، برابری و خیرخواهی برای افراد و گروه‌های دیگر است و از این‌رو در مقایسه با سایر انواع کنش‌ها جایگاه برتری به خود اختصاص می‌دهد. دگردوستی دارای دو بعد وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته و تعهد تعمیم‌یافته است. وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته اشاره به وابستگی به انسان انتزاعی و هویت جمعی یا اجتماع جامعه‌ای دارد و اگر این میل در نظام شخصیتی فرد رشد کند آنگاه او همه انسان‌ها را از خود می‌داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همه افراد در تعریف او از دوستی جای می‌گیرند. تعهد تعمیم‌یافته نوعی تعهد است و براساس آن فرد در کار خود نسبت به همه اعضای اجتماع جامعه‌ای احساس مسئولیت می‌کند (چلبی، ۱۳۷۶: ۷۸).

دگردوستی به مثابه مفهومی اخلاقی همواره مورد توجه فلاسفه، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. در حوزه فلسفه، فیلسوفان عصر روشنگری (هابز، لاک، روسو، کانت) به این موضوع توجه نموده‌اند. هابز در کتاب لویاتان از نوزده قانون طبیعی نام می‌برد که اهم آن‌ها احترام به حقوق دیگران است و نشانه آن تلاش برای پیشبرد منافع دیگران، احترام گذاشتن به عقاید آن‌ها و اعتماد کردن به آنان است. (هابز، ۱۳۸۰: ۱۶۱). لاک انسان را اساساً موجودی نوع‌دوست می‌داند که از لحاظ اخلاقی با دیگر افراد برابر است، چون انسان به دلیل انسان بودنش از حقوقی برخوردار است که لزوماً به خاطر برتری قدرت، ثروت و یا موقعیت او نیست (جونز، ۱۳۷۰، ۲۰۴) در واقع لاک همچون هابز بر احترام به حقوق دیگران و اجتناب از نگاه ابزاری به آنان تأکید می‌کند.

روسو نیز با طرح اندیشه قرارداد اجتماعی به لزوم رابطه اخلاقی میان انسان‌ها اشاره می‌کند. مقصود وی از قرارداد اجتماعی شرکت در اراده عمومی برای رسیدن به خیر جمعی و مشترک است که مهم‌ترین پیامد آن مبدل نمودن انسان به موجودی عقلانی و اخلاقی است. (روسو، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

در بین فیلسوفان عصر روشنگری کانت به فیلسوف اخلاق مشهور است و ایده‌های فلسفی و اخلاقی وی بر جامعه‌شناسان تأثیر به‌سزایی داشته است. او برای اخلاق سه صورت قائل است. ۱. آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند. ۲. از داشتن نگاه ابزاری به دیگران پرهیز. ۳. همواره معقول باش و براساس قواعد عقلانی عمل کن. (کانت ۱۳۶۹: ۸۵-۷۴-۲۷) کانت علاوه بر این‌که به تکالیف انسان نسبت به خودش اهمیت می‌دهد، بر تکالیف انسان نسبت به دیگران نیز تأکید دارد. او از دو دسته عمده از تکالیف نام می‌برد: ۱. تکالیف مربوط به اراده خیرخواهی ۲. تکالیف مربوط به مسئولیت یا عدالت. در مورد اول انسان براساس انگیزه‌های

خصوصی و خصلت خیراندیش خود به دیگری علاقه‌مند است و نسبت به او خیرخواه است و اگر کاری را برای دیگری انجام می‌دهد از سر نوع دوستی و انسانیت است و هیچ تکلیف و الزام و مسئولیتی در پس آن قرار ندارد. در مورد دوم انسان اقدامی خیرخواهانه را برای دیگری انجام می‌دهد اما این خیرخواهی ناشی از تکلیف و الزام است و برخاسته از روح و قلب نیست. (کانت، ۱۳۸۴: ۲۶۰-۲۶۰).

دورکیم با اثرپذیری از کانت رویکردهای اخلاقی خویش را مطرح نمود و حیات فکری خود را با تلاش در بنیاد نهادن یک «علم اخلاق» آغاز کرد (گیدنز، ۱۳۶۳، ۵۵) او معتقد بود اخلاق اساس یکپارچگی اجتماعی است و اخلاق دینی و سنتی را مبنای همبستگی مکانیکی و اخلاق اجتماعی و مدنی، را اساس همبستگی ارگانیک می‌دانست. فرض اساسی او در بحث‌های اخلاقی این بود که جوامع گوناگون دارای رفتارهای اخلاقی متفاوتی اند و شرایط اجتماعی منش‌های اخلاقی متفاوتی را ایجاد می‌کند. او بیان می‌کرد که اخلاقیات زمان حال کاملاً با اخلاقیات دوران باستان در تضاد قرار می‌گیرد زیرا در گذشته امور اخلاقی ریشه جمعی داشت و هر آنچه روح جمعی را خدشه‌دار می‌کرد جرم و عملی غیراخلاقی تلقی می‌شد اما امروزه معنای جرم تغییر کرده و هر آنچه وجدان فردی را خدشه‌دار کند و به حقوق انسانی لطمه بزند غیراخلاقی خوانده می‌شود. این به سبب محوریت یافتن مفهوم فردیت و انسانیت در دوران مدرن است.

نگاه دورکیم به اخلاق از زاویه دیگر توجه به رابطه آن با دین است. دورکیم در سال ۱۸۹۵ به این نتیجه رسیده بود که هر یک از جنبه‌های درهم تنیده اخلاقی به روشن‌ترین وجه در دین آشکار است. وی خاطرنشان ساخت که چیزهای مقدس از یک سو در مؤمنین ترس و احترام را برمی‌انگیزند و از سوی دیگر به فداکاری و ایثار امر می‌کنند. در واقع فهم ریشه‌ها یا عملکرد زندگی اخلاقی بدون آن‌که به دین ربط داده شود غیر ممکن است و قرن‌هاست که اخلاق و دین به هم پیوند خورده‌اند و حتی کاملاً با هم آمیخته‌اند و آشکار است که زندگی اخلاقی قادر نبوده است و هرگز هم قادر نخواهد بود که تمام ویژگی‌هایی را که با دین شریک است از دست بدهد (دورکیم، ۱۳۶۰: ۶۶). او علاوه بر این‌که به رابطه دین و اخلاق اشاره می‌کند به بیان اهداف یک کردار نیز می‌پردازد. به عقیده وی یک کردار فقط می‌تواند دو هدف داشته باشد. ۱. فردی (من هستم). ۲. جمعی (دیگرانی غیر از من هم هستند). او معتقد است هر عملی که در راستای صیانت آشکار فرد باشد عملی اخلاقی تلقی نمی‌گردد. اگر فردی صرفاً از منافع خود حفاظت کند از نظر باور عمومی، رفتارش عاری از هرگونه ارزش اخلاقی است و همچنین اگر فرد تلاش کند که به منظور کسب افتخار و کامیاب شدن و یا خلق یک اثر زیبای هنری برای خویش، ذکاوت و

نیروهای ذهنی خود را گسترش دهد در آن صورت نیز عمل مورد نظر عملی اخلاقی تلقی نخواهد شد. اما اگر اعمالی که در راستای گسترش و تکامل وجود فرد هستند، تأثیرات سودمندی برای کسان دیگری غیر از خود فرد داشته باشند، اخلاقی محسوب می‌شوند (همان: ۶۹). به زعم وی انسان باید به زندگی، داری و آبروی دیگران احترام بگذارد هرچند که آنان عضو خانواده و کشورش نباشند. در واقع این اخلاقیات به وسیله همه افراد متمدن ضروری و مهم تلقی می‌شوند. (دورکیم، ۱۹۹۲: ۱۱۰). در نهایت دورکیم مجموع مباحث اخلاقی خویش را در قالب دو مفهوم فردگرایی اخلاقی^۱ و فردگرایی خودخواهانه^۲ جمع‌بندی می‌کند. در فردگرایی نوع اول، فرد در پیوند با نظام اجتماعی و نظم اخلاقی آن شناخته می‌شود و این نوع فردگرایی به معنای مسئول بودن فرد در قبال افراد دیگر، جامعه و اخلاق مدنی است و بر پایه احساس همدردی یا رنج بشری و آرزوی برابری و عدالت استوار است و رشد آن اقتدار اخلاقی است (کسل، ۱۳۸۳، ۹۱). دورکیم این نوع فردگرایی را در تقابل با فردگرایی خودخواهانه قرار می‌دهد که صرفاً بر تقدم منافع شخصی مبتنی است. فردگرایی خودخواهانه اغلب در فرد اجتماعی نشده ظهور می‌کند و در نیازها و امیال این قبیل افراد ریشه دارد و زمینه را برای تشدید ناهنجاری اجتماعی فراهم می‌نماید و نتیجه آن چیزی جز افزایش هرج و مرج نیست (جلیبی، ۱۳۷۵: ۲۸۶). اگر فردگرایی اخلاقی و فردگرایی خودخواهانه دو سر یک پیوستار در نظر گرفته شوند. دو مفهوم خودخواهی اخلاقی و خودخواهی روان‌شناختی نقاط میانی پیوستار را تشکیل می‌دهند. مطابق مفهوم اول، مردم باید به دنبال زندگی با کیفیت^۳ برای خود باشند. بر این اساس افراد باید به خواسته‌هایی عمل نمایند که به ضررشان نباشد و باید به آنچه که بیشترین سود و مزایای حقیقی را برای آن‌ها دارد جامعه عمل ببوشانند. و نباید لذت‌های کوتاه‌مدت را که بعضاً به ضررشان است قربانی خواسته‌های واقعی نماید. البته در این معنا نیز خواسته‌های فرد بر خواسته‌های جمع اولویت دارد (راج، ۲۰۰۷: ۲۱۴). این مفهوم متفاوت از خودخواهی روان‌شناختی است. مطابق این مفهوم انسان باید براساس تمایلات و سرشت طبیعی خویش عمل نماید و هر آنچه که می‌خواهد و مطابق میلش است را صرف‌نظر از سود و زیانش انجام دهد. در یک معنای لذت‌گرایانه هر آنچه را که برایش لذت دارد انجام دهد. (فینبرگ: ۲۰۰۷، ۱۸۴) بدین ترتیب چنان‌چه خواستار حفظ نظم اخلاقی در جامعه باشیم باید فردگرایی اخلاقی به تدریج جایگزین فردگرایی خودخواهانه گردد تا پیرو آن ارزش‌های انسانی و بشردوستانه در جامعه حاکم گردد.

1. ethical individualism
3. well being

2. egoistic individualism

در حوزه روان‌شناسی اولین بررسی‌های انجام شده در رابطه با قضاوت اخلاقی کودکان با تحقیقات پیازه در سال ۱۹۳۲ آغاز شد. (احمدی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۳۹). پیازه از سه نوع رفتار حرکتی، خودمداری (با اجبار خارجی) و همکاری نام می‌برد که با سه نوع قاعده مطابقت دارد: قاعده حرکتی، قاعده ناشی از احترام یک‌جانبه، و قاعده ناشی از احترام متقابل (پيازه، ۱۳۷۹: ۷۸).

تأکید اساسی پیازه بر احترام متقابل است و آن را عنصر عقلانیت و زمینه‌ساز همکاری بین افراد می‌داند که موجبات رشد و شکوفایی شخصیت را فراهم می‌آورد (پيازه، ۱۳۷۹: ۸۳). بر طبق قاعده احترام یک‌جانبه، کودک اوامر و دستورات دیگران را می‌پذیرد و خود را در مقابل آنان مجبور احساس می‌کند. پیازه مراحل رشد اخلاقی را همراه با رشد شناختی و جسمی کودکان در نظر می‌گیرد و هر مرحله را بالاتر و متکامل‌تر از مرحله پیشین می‌داند با افزایش سن و تکامل نیروهای فکری و عقلانی کودک، او با دیگران وارد همکاری می‌شود و رابطه همودی در احترام یک‌جانبه جای خود را به رابطه افقی در احترام دو جانبه می‌دهد و بدین ترتیب زمینه برای احترام متقابل مهیا می‌گردد.

پس از پیازه، کولبرگ به بسط نظریه رشد اخلاقی وی پرداخت و مراحل رشد اخلاقی را مطرح نمود. او برای اخلاق سه سطح (سطح اخلاق پیش از حرف، سطح اخلاق حرفی، سطح اخلاق پس از حرف) را در نظر گرفت. (کولبرگ، ۱۹۸۷: ۱۵) در سطح اخلاق پیش از حرف، کودک اغلب رفتار خوبی دارد و رفتار او براساس اجتناب از نقض قواعد به خاطر تنبیه و اطاعت کردن و نیز اجتناب از لطمه زدن به اشخاص و اموال است. در این دوره اخلاق هنوز درونی نشده و معیارهای اخلاقی به‌طور حقیقی و واقعی وجود ندارد. در سطح اخلاق حرفی مقصود از رفتار اخلاقی سازگاری و هماهنگی با نظم اجتماعی و تمایل برای حفظ و نگهداری این نظم است. در سطح سوم که به اخلاق پس از حرف معروف است، مبنای اخلاق قرارداد اجتماعی است و رفتاری درست است که در چارچوب حقوق عمومی افراد و بر طبق معیارهای مورد قبول همه افراد جامعه انجام گیرد. به بیان دیگر عمل درست در این مرحله عملی است که در آن از اصول اخلاقی پیروی شود که خود فرد برگزیده است. در این مرحله است که قوانین خاص یا توافقات اجتماعی معمولاً معتبراند چون بر مبنای چنین اصولی قرار دارند. این اصول همان اصول عام عدالت‌اند که عبارتند از برابری حقوق انسانی و احترام به کرامت انسان به عنوان یک نوع بشر. در این مرحله دلیل انجام عمل درست به خاطر ایمان داشتن به اعتبار اصول اخلاقی عام و احساس تعهد نسبت به آنان است. (همان) به عقیده کولبرگ این مرحله کامل‌ترین مرحله رشد اخلاقی است و اصول اخلاقی آن شامل مفهومی از عدالت است. عدالت بدین معنی که ما به راه‌حلی

برسیم که هر کس آن را مناسب بباید. راه حل مناسب هنگامی به دست می‌آید که هر کس بی‌طرفانه خود را به جای دیگری فرض کند. (سیف و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

هابرماس با اثرپذیری از کولبرگ در کتاب کنش ارتباطی سه مرحله آگاهی اخلاقی (پیش از عرف، عرفی و پس از عرف) و متناظر با آن‌ها از انواع اخلاقیات (جادویی، قانونی، اعتقادی و یا مسئولیت) سخن می‌گوید. (هابرماس، ۱۳۸۴: ۲۴۲) او در این اثر به رابطه اخلاق و قانون اشاره می‌کند و آن‌ها را عاملی در جهت مهار منازعات و استحکام بخش پایه‌های کنش ارتباطی و استمرار بخش پیوستگی جهان زندگی می‌داند (همان). هابرماس معتقد است در اولین مرحله آگاهی اخلاقی (مرحله پیش از عرف) اخلاقیات و قانون هنوز از یکدیگر جدا نشده‌اند و در مرحله عرفی و پس از عرف این دو از یکدیگر جدا می‌گردند. در این حالت اخلاق در حدی نهادزدایی شده است که تنها به نظام شخصیتی به عنوان یک نظم درونی اتکا دارد و قانون به عنوان یک نیروی بیرونی رشد کرده که از بیرون اعمال می‌شود که پشتوانه این نیروی بیرونی ضمانت اجرای دولتی است. به عقیده وی سطوح عالی همبستگی در تحول اجتماعی استقرار نمی‌یابند مگر آن‌که نهادهای قانون به گونه‌ای رشد کنند که در آن آگاهی اخلاقی در سطوح عرفی و پس از عرف تبلور پیدا کند (همان، ۲۴۴).

علاوه بر رویکردهای فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در حوزه اخلاق و کنش دگردوستانه که موضوع مقاله حاضر می‌باشد، برای سنجش عوامل مؤثر بر آن نظریه‌های سرمایه و نوع دینداری نیز که در ادامه خواهد آمد مورد توجه قرار گرفتند.

مهم‌ترین انواع سرمایه مورد بحث در آثار صاحب‌نظران علوم اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی است. بوردیو سرمایه اقتصادی را توصیفگر منابع مالی و قابل تبدیل به پول می‌داند که به شکل حقوق مالکیت قابل نهادینه شدن است (اسمیت: ۲۰۰۱: ۱۹۷). به عقیده وی سایر اشکال سرمایه ریشه در سرمایه اقتصادی دارند (بوردیو، ۱۳۸۴: فیلد، ۲۰۰۳: ۱۵). نوع دوم سرمایه، سرمایه اجتماعی یعنی مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعل است که به فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده شناخت و آشنایی متقابل را در اختیار داشته باشد (بوردیو ۱۳۸۴: فیلد ۲۰۰۳: ۱۵). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نوع خاصی از روابط اجتماعی است که می‌تواند منبع سرمایه‌ای سودمندی برای افراد تشکیل دهد این نوع سرمایه، نیازمند سرمایه‌گذاری در طراحی ساختار تعهدات و انتظارات، مسئولیت و اقتدار و هنجارها (یا قوانین) و ضمانت‌های اجرایی است که سازمانی فعال و کارا را به وجود خواهند آورد (کلمن، ۱۳۷۷، ۴۷۹). پاتنام هم سرمایه اجتماعی را وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی می‌داند که می‌توانند با

تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در بحث سرمایه فرهنگی بوردیو آن را بعدی از یک عادت‌واره و وسیع می‌داند که بازتابی از موقعیت اجتماعی دارنده آن عادت‌واره است و ابعاد متعددی دارد. این ابعاد عبارتند از: دانش عینی درباره هنرها و فرهنگ، ترجیحات و سلیقه فرهنگی، صلاحیت‌های تحصیلی رسمی (مثل مدارک دانشگاهی، آزمون‌های موسیقی)، مهارت‌های فرهنگی (توانایی نواختن ابزارآلات موسیقی)، توانایی تمییز قائل شدن و متمایز دانستن خوب از بد. (اسمیت ۲۰۰۱: ۱۳۷).

در بحث مربوط به دینداری نیز می‌توان سه رهیافت را مورد توجه قرار داد. در رهیافت فلسفی دیدگاه‌های جیمز و هگل مطرح می‌شود. هگل در گونه‌شناسی خود به سه نوع دین: طبیعی، زیبایی‌شناختی، و منزل-جزمی اشاره می‌کند. جیمز از دو نوع دینداری یگانه‌گرا و چندگانه‌گرا نام می‌برد. در رهیافت روان‌شناختی اریک فروم از دینداری خودکامه و نوع‌خواهانه و آپورت از دینداری نهادی شده و درونی شده یاد می‌کند. در رهیافت روان‌شناسی اجتماعی و پراز دینداری ذوق محور، توده‌ای و رسمی و هر ویولوه از دینداری جماعتی، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی نام می‌برد. علاوه بر سه رهیافت فوق‌اندیشمندان و صاحب‌نظران معاصر داخلی نیز به بحث انواع دینداری پرداخته‌اند. شریعتی در تقسیم‌بندی که از انواع دینداری ارائه می‌دهد به دینداری توحیدی در مقابل شرک، انقلابی در مقابل توجیه‌گر، ایدئولوژیک در مقابل سنتی، روشنفکرانه در مقابل عوامانه و تشیع علوی در مقابل صفوی اشاره می‌کند. مجید محمدی از دین معنوی-ظاهری، شخصی-سیاسی، متجدد-سنتی، آرمان‌گرا-محافظه‌کار سخن می‌گوید. (هوشنگی، ۱۳۸۶) عبدالکریم سروش به سه نوع دینداری مصلحت‌اندیش، معرفت‌اندیش و تجربت‌اندیش اشاره می‌نماید. (سروش: ۱۳۸۱).

در مقاله حاضر دو نوع دینداری معرفتی (فرهنگی) و مناسکی (اجتماعی) مطرح نظر قرار گرفت. وجه بارز دینداری مناسکی یا اجتماعی در اعمال ظاهریست که شخص آن را انجام می‌دهد و در این نوع دینداری آداب و رسوم یا مناسک دینی نقش بسیار برجسته و مهمی دارد و به تعبیر دیگر این نوع دینداری، مناسکی است. در دینداری معرفتی (فرهنگی)، دین یک مقوله معرفتی است و از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع دینداری محققانه بودن آن و داشتن تساهل و مداراست. (سروش: ۱۳۸۱، ۱۵۰).

علاوه بر دیدگاه‌های نظری مذکور، منابع تجربی نیز وجود دارند که در آن‌ها این مقوله به محک آزمون درآمده است. درایور در مقاله ارزیابی از خود و رفتار دگردوستانه به بررسی این فرضیه پرداخته است که افراد دارای نگرش مثبت و عزت نفس بالا که از کیفیت زندگی خویش رضایت دارند، نسبت به دیگران احساس خیرخواهی بیشتری دارند تا کسانی که نگرش منفی و

عزت نفس کمی دارند و از کیفیت زندگی‌شان راضی نیستند. جامعه آماری تحقیق او دانشجویان دانشگاه ماساجوست بودند. او برای بررسی ارزیابی افراد از خود ۲۰ گویه را برای سنجش نگرش مثبت، عزت نفس بالا و احساس مطلوب از کیفیت زندگی دانشجویان طراحی کرد. همچنین برای سنجش مقیاس دگردوستی ارزش یک مکان را با توجه به رفاه دیگران و رفاه خود شخص مورد ارزیابی قرار داد و از دانشجویان خواست تعریفی از همکلاسی خود ارائه دهند که چگونگی تعریف آنان از همکلاسی خود، به عنوان دوست، دشمن یا بیگانه اهمیت داشت. نتایج حاصله، از همبستگی زیاد بین ارزیابی مثبت از خود و دگردوستی نسبت به دیگران حکایت داشت (دراپور، ۲۰۰۱). مونرو در اثر خویش با عنوان بطن دگردوستی تلاش می‌کند تا علل دگردوستی و شیوه‌های رفتاری دگردوستان را بررسی نماید. او در تحقیقش چهار گروه از افراد (کارآفرینان، انسان دوستان، زنان و مردان فداکار و امدادگران) را به عنوان دگردوستان انتخاب نمود و عوامل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، زیستی و روان‌شناختی را که تا پیش از این برای تبیین دگردوستی مطرح شده بودند را کنار گذاشت و بر تصور آن‌ها از مفهوم انسانیت به عنوان عامل مؤثر بر بروز نگرش و رفتار دگردوستانه تأکید نمود. (مونرو، ۱۹۹۶). ذکایی در مقاله دیگرخواهی و جامعه‌شناسی به نقد و بررسی نظریات موجود در این حوزه می‌پردازد. در این مقاله ابتدا تعاریف ارائه شده در باب دگردوستی مورد نقد قرار گرفته سپس ارتباط آن با نیازها و ارزش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مطالعات انجام شده در موضوع دگرخواهی در قالب هفت رویکرد (فلسفه و شناخت اجتماعی، روان‌شناسی رشد، اقتصاد، زیست‌شناسی تکاملی، روان‌شناسی اجتماعی، شناختی-ادراکی) مطرح شده است. (ذکایی، ۱۳۷۶) علاوه بر منابع فوق که به‌طور خاص به عوامل مؤثر بر دگردوستی پرداخته‌اند، برخی منابع به تبیین کنش‌های اخلاقی در جامعه می‌پردازند. در تحقیق انجام شده در زمینه تبیین مسائل اخلاقی از میان عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر اخلاق برخی منابع عامل سیاسی را مهم‌تر دانسته‌اند (ملکی، ۱۳۷۱) و برخی بر همبستگی متغیرهای عام‌گرایی، تعهد عام، اعتماد عام و کنش عقلانی با اخلاق سخن می‌گویند. (بیات، ۱۳۷۳) همچنین در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، راجع به نگرش پاسخگویان نسبت به رواج صفات مثبت اخلاقی (صداقت، راستگویی، گذشت و امانت‌داری) بین مردم در ۵ سال آینده بیش از ۷۰ درصد از پاسخگویان رواج آن را در آینده کم دانسته‌اند و بیش از ۸۰ درصد از آن‌ها معتقد بودند که رواج صفات منفی اخلاقی (دورویی، تظاهر، تقلب و کلاهبرداری) بین مردم در ۵ سال آینده بیشتر خواهد شد (گودرزی، ۱۳۸۲).

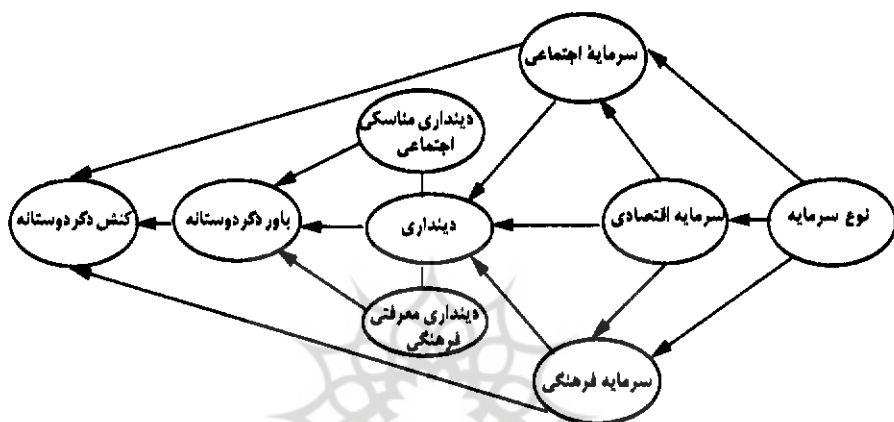
چارچوب مفهومی

کنش‌های دگردوستانه که در این نوشتار به عنوان متغیر وابسته معرفی شده است مربوط به حوزه اجتماع و لذا مرتبط با سرمایه اجتماعی است. پاتنام در کتاب بولینگ یک نفره به روشنی بیان می‌کند افرادی که در شبکه‌ها حضور ندارند، اقدام به انجام کارهای انسان‌دوستانه می‌کنند. (پاتنام: ۲۰۰۰، ۱۱۷). سرمایه اجتماعی هم با دیگر انواع سرمایه‌ها به‌ویژه سرمایه اقتصادی و فرهنگی مرتبط است. اما نکته حائز اهمیت چگونگی ارتباط سرمایه‌ها با یکدیگر و تأخر و تقدم آن‌ها نسبت به یکدیگر است. بوردیو بر قابلیت تبدیل انواع مختلف سرمایه تأکید دارد (بوردیو، ۱۳۸۴؛ فیلد، ۲۰۰۳: ۱۵) و سرمایه اقتصادی را ریشه انواع دیگر سرمایه لحاظ می‌کند و علت تقلیل انواع سرمایه به سرمایه اقتصادی را سرمایه‌داری می‌داند که در آن جهان مبادلات به مبادله تجاری فرو کاسته می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۷: ۱۱؛ ۱۳۸۴) سرمایه فرهنگی در کنار سرمایه اجتماعی و با اثرپذیری از سرمایه اقتصادی پایگاه اجتماعی افراد را در جامعه تعیین می‌کند و نوع دینداری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل مقدم بر نوع دینداری قرار گرفتند. به‌علاوه حضور دینداری به عنوان یک متغیر اثرگذار با استناد به آرا دورکیم، هابرماس و پاتنام صورت گرفته است. این سه صاحب‌نظر در جامعه سنتی ارزش‌های دینی را منشأ اعمال اخلاقی می‌دانند و در جامعه مدرن اشاره به ارزش‌های مدنی دارند. به عنوان مثال دورکیم بیان می‌نمود که عوامل انسجام‌بخش جامعه سنتی مبتنی بر اخلاقیات جزمی و مقیدکننده بود که با گذار از جامعه سنتی به مدرن و دگرگون شدن نظم اجتماعی، اخلاقیات جدیدی شکل می‌گیرد تا آن نظم از هم‌گسیخته را مجدداً احیا کند. (عبداللهی، ۱۳۸۲) او این امر اخلاقی را بر مبنای کیش فرد^۱ قرار می‌داد. دورکیم مشکل جوامع مدرن را اساساً مسئله‌ای اخلاقی می‌دانست (دورکیم، ۱۳۶۹) و معتقد بود از طریق تقویت اخلاق فردی و بارور نمودن اخلاق مدنی، خودخواهی‌های فردی مهار می‌شود. بدین منظور او کار خود را با تحلیل همبستگی آغاز نمود و تلاش کرد تا پایه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مدرن را توصیف و تحلیل نماید.

هابرماس نیز با تأسی از دورکیم منبع اخلاقی و یا راهبر اخلاقی را در جوامع اولیه، امور مقدس و دینی می‌داند که شکل بارز آن اعمال آیینی و مناسکی است که به تدریج با عقلانی شدن جهان زندگی، اعمال مناسکی کارکرد خود را به کنش ارتباطی انتقال می‌دهند. به بیان دیگر عامل ایجاد وحدت در جوامع سنتی امور مقدس بودند که در جوامع مدرن هم‌رأیی جایگزین آنان شده است (لسناف، ۱۳۷۸: ۴۵۱) پاتنام نیز همانند هابرماس و دورکیم برای اعمال اخلاقی

1. cult of individual

و انسان‌دوستانه در دوران ماقبل مدرن انگیزه دینی را بر می‌شمرد و در دوران مدرن منشأ اعمال دگردوستانه را وظایف مدنی می‌داند. (پاتنام، ۲۰۰۰، ۱۱۶) علاوه بر متغیرهای مذکور نوع باورهای دگردوستانه ضمن تأثیرپذیری از سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در چارچوب مفهومی این نوشتار نزدیک‌ترین متغیر به کنش دگردوستانه است و مبانی ذهنی و آمادگی عمل را برای کنشگر در امر کنش‌های دگردوستانه فراهم می‌سازد.



مدل فرضی کنش دگردوستانه

فرضیات

۱. بین نوع سرمایه شهروندان تهرانی و نوع کنش‌های آنان رابطه وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت شهروندان دارای سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بالاتر کنش‌های دگردوستانه بیشتری دارند.
۲. بین نوع دینداری شهروندان تهرانی و نوع کنش‌های آنان رابطه وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت افراد دارای میزان دینداری اجتماعی و فرهنگی بالاتر کنش‌های دگردوستانه بیشتری دارند.

روش‌شناسی

عملیاتی کردن مفاهیم

متغیر وابسته: کنش دگردوستانه با استفاده از چهار گویه زیر سنجیده شده است. گویه‌ها همراه با بارهای عاملی آن‌ها در جدول ذیل ذکر گردیده است. این گویه‌ها در پاسخ به این سؤال «شما

چقدر این رفتارها را انجام می‌دهید؟» طراحی شده است.

مقیاس	گویه‌ها	بارهای عاملی
کنش دگردوستانه	تهیه جهیزیه برای دختران فقیر و نیازمند کمک کردن به آسیب‌دیدگان سیل و زلزله در کشورهای دیگر کمک به فقرا و نیازمندان کمک کردن به آسیب‌دیدگان سیل و زلزله در کشورهای خودمان	۰/۷۶۹ ۰/۷۰۸ ۰/۶۶۹ ۰/۷۱۴

متغیرهای مستقل: گویه‌های زیر همانند گویه‌های فوق بر اساس طیف لیکرت طراحی شده و میزان موافقت و مخالفت پاسخ‌گویان مورد پرسش قرار گرفته است.

مقیاس	گویه‌ها	بارهای عاملی
باورهای دگردوستانه	آدم اگر بتواند مشکل کسی را حل کند و قدم خیری برای کسی بردارد فرق نمی‌کند که طرفش را بشناسد یا نشناسد انجام وظیفه در کارم را وظیفه‌ای انسانی می‌دانم برای من آشنا و غریبه فرقی ندارد اگر بتوانم کار همه را راه می‌اندازم مهم نیست که من به کدام قوم و طایفه تعلق دارم مهم این است که من ایرانی‌ام و همه ایرانیان را دوست دارم ماهل هستم با مردمی که در جای دیگر از کشور زندگی می‌کنند و آداب و رسوم متفاوتی دارند، ارتباط دوستانه برقرار کنم.	۰/۶۶۰ ۰/۶۰۰ ۰/۵۶۵ ۰/۵۱۷ ۰/۵۱۶
دینداری مناسکی (اجتماعی)	اگر کسی نماز نخواند، روزه نگیرد و سایر اعمال دینی را انجام ندهد دیندار واقعی نیست بیشتر مردم مسلمان تقلیدی هستند (یعنی به خاطر این مسلمانند که پدر و مادر مسلمان دارند)	۰/۷۵۰ ۰/۳۲۲
دینداری معرفتی (فرهنگی)	نباید در مورد اساس و بنیان دین خیلی سؤال و جواب کرد آدم همیشه در مسائل دینی اول باید به عقلش رجوع کند باید در اعتقاد به خدا و روز قیامت به عقل رجوع کرد.	۰/۳۶۷ ۰/۸۲۸ ۰/۸۲۰

گویه‌های زیر به ترتیب برای دو سؤال مطرح شده است؛ ۱. به هر یک از عوامل زیر چه میزان اعتماد دارید؟ ۲. آیا با انجمن‌های زیر همکاری دارید در صورت همکاری عضو انجمن هستید یا در آن فعالیت دارید؟

مقیاس	ابعاد	گویه‌ها	بارهای عاملی
سرمایه‌های اجتماعی	اعتماد تممیب یافته	همکاران	۰/۴۲۸
		افراد هم‌محله	۰/۵۹۶
		افرادی که هم‌قوم و هم‌مذهب من باشند	۰/۷۵۷
		هم‌شهریان غیر هم‌قوم	۰/۸۷۳
		هم‌وطنان غیر هم‌قوم	۰/۸۸۳
		هم‌نوعان صرف‌نظر از قومیت و ملیت	۰/۸۲۳
پیوندهای انجمنی اجتماعی - مذهبی		صندوق قرض‌الحسنه	۰/۷۲۳
		هیئت‌های مذهبی	۰/۶۷۹
		انجمن‌های خیریه (کمک برای سالمندان، طرح تکریم ایتم، کمک و صدقه با نیازمندان، کمک برای تهیه جهیزیه)	۰/۵۹۶
		شوراهای محلی	۰/۵۲۷
		انجمن اولیاء و مربیان	۰/۳۷۷
پیوندهای انجمنی - فرهنگی		انجمن‌های علمی	۰/۷۶۹
		کلوب‌های ورزشی و تفریحی	۰/۷۱۵
		انجمن‌های هنری و ادبی	۰/۶۰۶

مقیاس	سوالات
سرمایه اقتصادی	وضعیت منزل مسکونی شما به چه صورت است. استیجاری، سازمانی، ملکی قیمت اتومبیل شما چقدر است میزان درآمد شما چقدر است
مقیاس	سوالات
سرمایه فرهنگی	میزان تحصیلات شما چقدر است؟ شغل و میزان تحصیلات پدر شما چقدر است؟ شغل و میزان تحصیلات مادر شما چقدر است؟ چه میزان کتاب مطالعه می‌کنید؟ چه میزان اوقات فراغت خود را با رفتن به کنسرت و تئاتر پر می‌کنید؟

اعتبار و پایایی

برای بررسی اعتبار و پایایی مقیاس‌های تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای^۱ و اعتبار صوری استفاده شده است. با استفاده از تحلیل عاملی و نوع چرخش واریماکس، عامل‌ها یا فاکتورهای متشکل از متغیرهای مورد بررسی که منبعث و منطبق با مباحث نظری تحقیق بوده است

1. construct validity

شناسایی گردید. نتایج تحلیل عامل صورت گرفته که مبین اعتبار و پشتیبان پایایی تحقیق است و بارهای عاملی آن که میزان همبستگی هر گویه با عامل یا مقیاس مورد نظر را نشان می‌دهد در جدول تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق ذکر گردیده است. همچنین برای تأمین اعتبار صوری از نظر اساتید محترم و تعدادی از کارشناسان علوم اجتماعی بهره گرفته شده است و پس از انجام ۲ مرحله پیش‌آزمون پرسشنامه تحقیق نهایی شده است.

جمعیت آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جمعیت آماری تحقیق حاضر با توجه به شاخص توسعه یافتگی مناطق بیست و دوگانه شهر تهران (رفیعی، ۱۳۸۲؛ به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۴) از میان کلیه ساکنین مرد و زن بالای ۱۸ سال مناطق ۳ و ۱۹ به عنوان توسعه یافته‌ترین و کم توسعه یافته‌ترین مناطق انتخاب شده‌اند. حجم نمونه تحقیق بر اساس فرمول
$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot s^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot s^2}$$
 محاسبه شده که معادل ۴۱۹ نفر می‌باشد و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله است که در ۴ مرحله به صورت زیر انجام گرفته است: یکم: انتخاب دو منطقه از بین مناطق موجود شهر تهران بزرگ بر اساس شاخص توسعه یافتگی.

دوم: انتخاب تعدادی بلوک از هر منطقه به صورت تصادفی و بر اساس جدول اعداد تصادفی.

سوم: انتخاب خانوار از بین خانوارهای ساکن هر بلوک ساختمانی بر اساس فهرست برداری صورت گرفته.

چهارم: انتخاب افراد واجد شرایط در خانوار از خانوارهای نمونه ساکن در هر بلوک ساختمانی.

نوع تحقیق و تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

نوع تحقیق پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. فرضیات تحقیق از طریق تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون LSD مورد آزمون قرار گرفته و سهم نسبی هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته با استفاده از تحلیل رگرسیون مشخص گردید.

توصیف داده‌ها

بر اساس جدول زیر میانگین کنش دگردوشانه ۱۲/۵ و انحراف معیار آن ۵/۳ و میانگین باور دگردوشانه ۱۱ و انحراف معیار آن ۸/۹ است. داده‌ها حاکی از آن است که افراد در سطح باور

بیش از سطح کنش دگردوست بوده‌اند.^۱ مطابق جدول شماره ۱ میانگین سرمایه اجتماعی ۶/۳ و سرمایه فرهنگی ۹ است و انحراف معیار آن‌ها به ترتیب ۱/۲ و ۳ است. این داده‌ها مبین این است که پاسخ‌گویان دارای سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به سرمایه فرهنگی بوده‌اند. بر طبق جدول مذکور میانگین سرمایه اقتصادی ۱۲/۱ است و انحراف معیار این متغیر ۳/۳ می‌باشد. این داده نشان می‌دهد پاسخ‌گویان از نظر سرمایه اقتصادی در شرایط بالایی قرار نداشتند. بر اساس جدول فوق دینداری فرهنگی (معرفتی) دارای میانگین ۶/۱ و انحراف معیار ۲/۱ است و میانگین دینداری مناسکی (اجتماعی) ۹/۹ و انحراف معیار آن ۲/۴ است. این داده بیانگر آن است که نوع دینداری پاسخ‌گویان بیشتر معرفتی (فرهنگی) است.

جدول شماره ۱

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	حداقل	حداکثر
۱. کنش دگردوستانه	۱۲/۵	۳/۵	-۰/۲۸	۴	۲۰
۲. باورهای دگردوستانه	۱۱	۸/۹	۰/۸	۵	۲۵
۳. سرمایه اجتماعی	۶/۳	۱/۲	-۰/۲۴	۳	۸
۴. سرمایه فرهنگی	۹	۳	-۰/۶۶	۵	۱۹
۵. سرمایه اقتصادی	۱۲/۱	۳/۳	-۰/۱۹	۶	۲۱
۶. دینداری معرفت‌اندیش	۶/۱	۲/۱	۰/۵۹	۳	۱۵
۷. دینداری معیشت‌اندیش	۹/۹	۲/۴	۰/۷	۳	۱۵

تبیین داده‌ها

آزمون آماری مربوطه حکایت از این دارد که بین متغیر سرمایه اجتماعی و کنش دگردوستانه رابطه معناداری ($\tau - b = 0/272 P_0 = 0/000$) وجود دارد. همچنین تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت معناداری از نظر کنش دگردوستانه در بین کسانی که سرمایه اجتماعی زیاد، متوسط و کم دارند، وجود دارد ($F = 22/239 \text{ sig} = 0/000$) به طوری که میانگین‌های مندرج در جدول نشان می‌دهد کسانی که سرمایه اجتماعی بالاتر دارند بیش از دیگران کنش دگردوستانه داشته‌اند.

۱. لازم به ذکر است نمره‌های مقیاس‌های باورها و کنش‌های دگردوستانه، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، دینداری معرفتی (فرهنگی) و مناسکی (اجتماعی) از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و از خیلی زیاد تا خیلی کم از ۱ تا ۵ بوده است و تنها در مقیاس سرمایه اقتصادی نمره طیف برعکس حالت مذکور بوده و هر چه نمره آن بیشتر بوده است نشان از سرمایه اقتصادی بالاتر بوده است.

جدول شماره ۲. رابطه کنش دگردوستانه با سرمایه اجتماعی

ازمون آماری معناداری	زیاد	متوسط	کم	سرمایه اجتماعی	
				کنش دگردوستانه	کم
$\tau - b = 0/272$ $P = 0/000$	۱۲	۳۵/۳	۵۳/۵		
	۲۸	۳۲/۴	۳۲/۹		متوسط
	۱۵	۵۵	۱۳/۵		زیاد
	۹/۱	۱۲/۱	۱۳/۶		میانگین
	$F = 22/239$ $sig = 0/000$			تفاوت معناداری	

آزمون آماری مربوطه نشان می‌دهد، بین دینداری مناسبی (اجتماعی) و کنش دگردوستانه رابطه معنادار ($\tau - b = 0/117$ $P = 0/007$) وجود دارد (جدول شماره ۳). همچنین تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت معناداری از نظر کنش دگردوستانه بین کسانی که دارای دینداری اجتماعی هستند وجود دارد ($F = 3/571$ $sig = 0/000$) به طوری که میانگین‌های مندرج در جدول نشان می‌دهد افرادی که به میزان زیادی باورهای دینی اجتماعی را قبول دارند بیش از دیگران کنش دگردوستانه دارند.

جدول شماره ۳. رابطه کنش دگردوستانه با دینداری مناسبی (اجتماعی)

ازمون آماری معناداری	زیاد	متوسط	کم	دینداری مناسبی (اجتماعی)	
				کنش دگردوستانه	کم
$\tau - b = 0/117$ $P = 0/007$	۳۳/۸	۳۸/۲	۴۸/۷		
	۳۹/۷	۳۰	۳۲/۹		متوسط
	۲۶/۵	۳۱/۸	۱۸/۴		زیاد
	۱۲/۱	۱۲/۲	۱۳/۱		میانگین
	$F = 3/571$ $sig = 0/000$			تفاوت معناداری	

آزمون آماری مربوطه نشان می‌دهد بین دینداری معرفتی (فرهنگی) و کنش دگردوستانه رابطه معنادار ($\tau - b = 0/098$ $P = 0/034$) وجود دارد (جدول شماره ۴). همچنین تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت معنادار دگردوستی در بعد رفتار در بین افرادی که با دینداری معرفتی (فرهنگی) موافقاند یا نظر بینابین و مخالف دارند، وجود دارد ($F = 5/22$ $sig = 0/000$) به طوری که میانگین‌های مندرج در جدول نشان می‌دهد افرادی که از نظر دینداری معرفتی (فرهنگی) در سطح بالایی قرار دارند، پیش از دیگران کنش دگردوستانه دارند.

جدول شماره ۳. رابطه کنش دگردوستانه با دینداری معرفتی (فرهنگی)

ازمون آماری معناداری	زیاد	متوسط	کم	دینداری معرفتی
				کنش دگردوستانه
$\tau\text{-}b = ۰/۰۹۸$ $p = ۰/۰۳۴$	۳۹	۴۷/۲	۷۰	کم
	۳۲/۱	۲۹/۲	۳۰	متوسط
	۲۹	۲۳/۶	۰	زیاد
	۱۲/۲	۱۳/۲	۱۴/۹	میانگین
	$F = ۵/۲۲$ $\text{sig} = ۰/۰۰۰$			تفاوت معناداری

آزمون آماری مربوطه نشان می‌دهد بین متغیر باور دگردوستانه و کنش دگردوستانه رابطه معنادار ($\tau\text{-}b = ۰/۱۰۶$ $p = ۰/۰۲$) وجود دارد (جدول شماره ۴). همچنین تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون LSD نشان می‌دهد تفاوت میانگین بین افرادی که با باورهای دگردوستانه موافق بوده‌اند و نظر بینابین داشته‌اند معنی‌دار است $F = ۳/۱۷۲$ $\text{Sig} = ۰/۰۰۱$ طوری که میانگین‌های مندرج در جدول نشان می‌دهد افرادی که با باورهای دگردوستانه موافق بوده‌اند، بیش از دیگران کنش دگردوستانه داشته‌اند.

جدول شماره ۵. رابطه کنش دگردوستانه با باور دگردوستانه

ازمون آماری معناداری	زیاد	متوسط	کم	باور دگردوستانه
				کنش دگردوستانه
$\tau\text{-}b = ۰/۱۰۶$ $p = ۰/۰۲$	۳۹/۸	۶۲/۱	۴۲/۹	کم
	۲۲/۹	۲۴/۱	۴۲/۹	متوسط
	۲۷/۳	۱۳/۸	۱۴/۳	زیاد
	۱۲/۴	۱۴/۰۳	۱۳/۶	میانگین
	$F = ۳/۱۷۲$ $\text{sig} = ۰/۰۰۱$			تفاوت معناداری

با توجه به نتایج آزمون‌های آماری مربوطه می‌توان گفت افرادی که سرمایه اجتماعی بالاتر دارند نسبت به کسانی که دارای سرمایه اجتماعی کم و متوسط هستند در برخوردشان با دیگران، دگردوست‌تر هستند. در واقع علت دگردوست بودن افرادی که سرمایه اجتماعی بالا دارند در این است که شعاع تعاملات، اعتماد و آگاهی‌های آنان گسترده است. در نتیجه فردی که تعاملات گسترده دارد به اقتضای موقعیتش باید به ارزش‌های عام‌گرایانه توجه کند

و دامنه جذب^۱ آن باید فراتر از حد دوستان خانواده و خویشاوندان باشد. بدین ترتیب فرضیه اول تأیید گردید. ولی رابطه بین متغیر سرمایه فرهنگی و کنش دگردوستانه (در فرضیه دوم) و رابطه بین سرمایه اقتصادی و کنش دگردوستانه (در فرضیه سوم) مورد تأیید قرار نگرفت.

همچنین یافته‌ها نشان دادند افرادی که با باورهای دینی اجتماعی و فرهنگی موافق هستند هر دو گروه دارای کنش دگردوستانه‌اند. در واقع می‌توان گفت افرادی که باورهای دینی قوی‌تر دارند کنش‌های دگردوستانه بیشتری دارند. این امر نشان‌دهنده پیوند تنگاتنگ باورهای دینی با اعمال اخلاقی است. بدین ترتیب فرضیه ۴ تأیید شد. در نهایت یافته‌ها نشان دادند افرادی که با باورهای دگردوستانه موافق بوده‌اند بیش از دیگران کنش دگردوستانه داشته‌اند. بدین ترتیب فرضیه ۵ نیز تأیید گردید.

تحلیل رگرسیون چندمتغیری

به منظور کنترل نتایج به دست آمده از تحلیل‌های دو متغیری، از تحلیل‌های چندمتغیری در زمینه رگرسیون استفاده شد. رگرسیون انواع مختلفی دارد. در این مقاله از روش رگرسیونی (Enter) استفاده شده است. در این روش ابتدا پس از ورود متغیر وابسته کلیه متغیرهای مستقل تحقیق وارد معادله می‌گردد. برای تشخیص مناسب بودن مدل رگرسیون انجام شده ضریب تعیین چندگانه تعدیل شده^۲ و آزمون F و سطح معنی‌داری آن مورد استفاده قرار گرفته است.

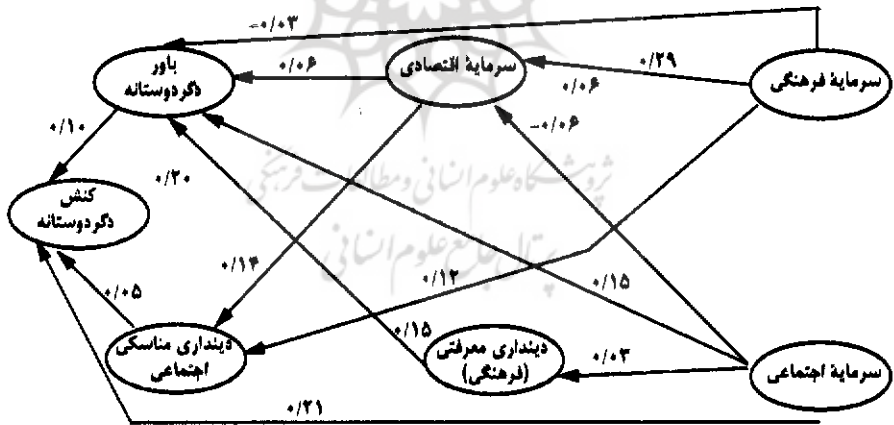
نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره کنش دگردوستانه که در جدول شماره ۶ آمده است. حاکی از آن است که ضریب رگرسیون چندمتغیره (R) بین مقیاس کنش دگردوستانه و متغیرهای سرمایه اجتماعی، باور دگردوستانه و دیدناری مناسکی ۰/۴۸ است. این سه متغیر در مجموع ۰/۲۳ درصد (R^2) از واریانس کنش دگردوستانه را توضیح می‌دهند. سطح معناداری آزمون F نشان می‌دهد که روابط به دست آمده در معادله رگرسیونی کنش دگردوستانه معنادار است.

1. Inclusion

2. adjusted

جدول شماره ۶. رابطه رگرسیونی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	B	R	R ²	R ² تعدیل شده	اشتباه استاندارد	F از مون	تفاوت معناداری
کنش دگردوستانه	باور دگردوستانه دینداری مناسکی سرمایه اجتماعی	۰/۱۰ ۰/۰۵ ۰/۲۱	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۱۷	۳/۳	۴/۱۲	۰/۰۰۰
باور دگردوستانه	سرمایه اجتماعی سرمایه فرهنگی سرمایه اقتصادی دینداری معرفتی	۰/۱۵ -۰/۰۳ ۰/۰۶ ۰/۱۵	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۱۲	۳/۸	۳/۸	۰/۰۰۰
دینداری مناسکی (اجتماعی)	سرمایه فرهنگی سرمایه اقتصادی	۰/۱۲ ۰/۱۴	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۱۰	۲/۳	۲/۸	۰/۰۰۶
دینداری معرفتی (فرهنگی)	سرمایه اجتماعی	۰/۰۳	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۲۶	۱/۹	۱/۴	۰/۰۱
سرمایه اقتصادی	سرمایه فرهنگی سرمایه اجتماعی	۰/۲۹ -۰/۰۶	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۵۴	۲/۳	۱۹/۲	۰/۰۰۰



مدل تجربی کنش دگردوستانه

تحلیل چند متغیری کنش دگردوستانه براساس متغیرهای مستقل نشان‌دهنده آن است که از بین متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی، باور دگردوستانه، دینداری مناسکی (اجتماعی) در مجموع توانایی تبیین واریانس متغیر وابسته را دارا می‌باشند. به گونه‌ای که ضرایب استاندارد B

نشان می‌دهد. ۲۱ درصد از واریانس کنش دگردوستانه توسط سرمایه اجتماعی، ۱۰ درصد از واریانس آن به واسطهٔ باور دگردوستانه همچنین ۵ درصد از واریانس کنش دگردوستانه از طریق دینداری مناسبی (اجتماعی) صورت گرفته است. بدین ترتیب در بین متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی بیش از سایر متغیرها تغییرات کنش دگردوستانه را تبیین و قابل پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری

کنش دگردوستانه که در حوزهٔ اجتماع قرار می‌گیرد با بینش‌ها و گرایش‌های دگردوستانه که بعد اجتماعی نظام شخصیتی را تشکیل می‌دهد، ارتباط نزدیکی دارد. این کنش‌ها و بینش‌ها تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارند. چون افراد مشارکت‌کننده در انجمن‌های گوناگون که به تبع آن از اعتماد تعمیم‌یافته بیشتری برخوردارند، بیش از کسانی که در این انجمن‌ها مشارکت ندارند به کارهای انسان‌دوستانه مبادرت می‌ورزند. به علاوه حضور افراد در این انجمن‌ها باعث می‌گردد شعاع اعتماد آنان از حد آشنایان و دوستان فراتر رود و در کنار آن افزایش آگاهی از مسائل اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و مذهبی بر نوع دینداری افراد تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود آنان در حوزهٔ مسائل دینی نگاه معرفتی و واقع‌بینانه داشته باشند. با توجه به تأثیرپذیری نوع دینداری از انواع سرمایه‌ها به‌ویژه سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی و نیز با توجه به ارتباط نزدیک دین و اخلاق به‌ویژه در ایران رابطهٔ بینش‌ها و کنش‌های دگردوستانه با نوع دینداری به‌ویژه دینداری مناسبی یا اجتماعی هم تأیید شده است. اگر براساس مطالب فوق عوامل اثرگذار بر کنش دگردوستانه به دو عامل مدنی و دینی تقسیم گردد، می‌توان گفت عامل دینداری قوی‌تر است. این یافته حاصل مقایسهٔ اثرگذاری پیوندهای انجمنی با دینداری است. چون یافته‌های پیوندهای انجمنی نشان می‌دهد از میان انجمن‌های گوناگون بیشترین میزان مشارکت افراد در هیئت‌های مذهبی است و این مطلب یافتهٔ پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان مبنی بر بالا بودن میزان همکاری افراد با هیئت‌های مذهبی نسبت به سایر انجمن‌ها را تأیید می‌نماید. (گودرزی، ۱۳۸۲) همچنین نتایج نشان داد، میزان همکاری با شوراهای محلی در سطح نازلی قرار داشته است. این یافته نیز مؤید نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان مبنی بر کم بودن میزان همکاری با شوراهای محلی (حدود ۱۰ درصد) بوده است (گودرزی، ۱۳۸۲). شوراهای محلی را می‌توان در زمرهٔ نهادهایی دانست که واسطهٔ بین بخش رسمی و غیررسمی هستند که کم بودن میزان همکاری با این نهادها مبین وسیع بودن دامنه و حوزهٔ عملکرد بخش رسمی و نیز عدم انفکاک نهادی است. به همین جهت این عامل نیز تقویت‌کنندهٔ اهمیت باورهای دینی نسبت به عوامل مدنی در بروز کنش‌های دگردوستانه است.

با توجه به این‌که باورهای دینی تأثیر به‌سزایی در کنش‌های دگردوستانه دارند اما اهمیت عوامل اجتماعی و سرمایه‌ای را در ظهور کنش‌های اخلاقی و دگردوستانه نباید نادیده گرفت و بایستی با تقویت نهادهای دینی و مدنی به‌طور هماهنگ و هم‌سو در جهت توسعه همه‌جانبه و متوازن نظام اجتماعی و شخصیتی گام برداشت تا با ارتقا سطح توسعه جامعه و نظام شخصیتی افراد میزان کنش‌های اخلاقی و به‌طور خاص تر کنش‌های دگردوستانه افزایش یابد.

منابع

- احدی، حسن؛ محسنی، نیک‌چهر (۱۳۷۱) *روان‌شناسی رشد ۱ / مفاهیم بنیادی روان‌شناسی در نوجوانی و جوانی*، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴) اشکال سرمایه در: تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴) *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- بیات، فریبرز (۱۳۷۳) رابطه عام‌گرایی با اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- پیازه، ژان (۱۳۷۹) *قضاوت‌های اخلاقی کودکان*، ترجمه محمدعلی امیری، تهران: نشر نی.
- جوینز، وت (۱۳۷۰) *خداوندان اندیشه سیاسی (جلد دوم)*، ترجمه: علی رامین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۶) *نمده کار، نامه پژوهش*، سال دوم، شماره ۵ فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ویژه فرهنگ و اخلاق کار.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۰) *فلسفه و جامعه‌شناسی*، ترجمه فرحناز خسته‌ای، تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و آموزش‌های عالی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹) *در باره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، پابل، نقش جهان.
- ذکائی، محمدسمید (۱۳۷۶) *دیگرخواهی و جامعه‌شناسی*، فرهنگ، شماره ۲۲-۲۳.
- رفیعی، مینو (۱۳۸۲) *شهرداری تهران، معاونت شهرسازی و معماری*، بررسی مسائل توسعه شهری شناخت مقدماتی منطقه، محث پنجم، مطالعات جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی، مهندسین مشاور استان، ویرایش سوم، مردادماه.
- روسو، ژان-ژاک (۱۳۷۹)، *قرارداد اجتماعی (متن و در زمینه متن)*، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگاه.
- سروش، عبدالکریم و دیگران (۱۳۸۱) *سنت و سکولاریزم*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سیف، سوسن و دیگران (۱۳۸۰) *روان‌شناسی (۱)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۲)، *جزوه درس بینش‌های اجتماعی دوره کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری آن در شهر تهران*.

- پایان‌نامه دکتری، جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کانت، ایمانوئل، (۱۳۸۴) *درس‌های فلسفه اخلاق*، ترجمه صانمی دره‌بیدی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۶۹) *بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق*، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳) *چکیده آثار گیدنز*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ققنوس.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳) *هورکیم*، ترجمه: بوسف اباذری، تهران: خوارزمی.
- گودرزی، محسن (۱۳۸۲) یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- لسناف، مایکل اچ (۱۳۷۸) *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: نشر کوچک.
- مصباح، علی و دیگران (۱۳۷۴) *روان‌شناسی رشد (۱): با نگرش به منابع اسلامی*، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.
- محمودیان، محمدرفیع (۱۳۷۹) *وحدت آرمانی رابطه خود با دیگری*، ارغنون، شماره ۱۶.
- ملکی، خسرو (۱۳۷۱) *اخلاق و روابط اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) *کش ارتباطی*، ترجمه: کمال پولادی، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- هابز، توماس (۱۳۸۰) *لویاتان*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر مرکز.
- هوشنگی، طیبه (۱۳۸۶) بررسی رابطه انواع دینداری و ابعاد نظام شخصیت در شهر قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Alexander, Jeffry (1993) *Core Solidarity, Ethnic Outgroup, And Social Differentiation: A multidimensional Model of Inclusion in modern societies*, University of California at Los Angeles.

Bourdieu, Pierre (1985) *The Forms of Capital in: Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, Ed. J.G. Richardson, New York, Greenwood.

Broom, Donald Maurice (2006) *The Evolution of Morality*, published by Elsevier B.V. WWW.Elsevier.Com/locate/applanim.

Durkheim, Emile (1992) *Civic Moral and Professional Ethic*, London, Routledge.

Edwin D. Driver (2001) *Self Evaluation and Altruistic Behavior in the Journal of Social Psychology*, page 393-394.

Feinberg, Joel (2007) *Psychological Egoism in Ethical Theory* edited by Russ Shafer-Landau, Blackwell.

Field, John (2003) *Social Capital*, Routledge, London and New York, Page 11-29.

Kohlberg, Lawrence; Colby, Anne (1987) The Measurement of Moral Judgement, Press Syndicate of the University of Cambridge, volum I.

Rachels, James (2007) Ethical Egoism in Ethical Theory, edited by Russ Shafer-Landau, blackwell.

Putnam, Robert D (2000) Bowling Alone, The collapse and revival of American Community, Book Published by Simaon and Schuster.

Smith, Philip (2001) Cultural Theory, Blakwell Publishers Inc. Massachusetts: USA.

محمد عبداللهی، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی است. (نویسنده مسئول)
Abdollahi120@gmail.com
سمیده امینی، دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

amini-s2002@yahoo.com

